

آیه ۱۷۰؛ [هود]، آیه ۸۸ و...) نقش و رسالت آنان «اصلاح طلبی» دانسته شده است. در قرآن اساس دینداری و سلوک مذهبی، عنوان «عمل صالح» ذکر شده است. به همین دلیل تمامی مصلحان مسلمان از گذشته تا حال اقدامات اصلاح طلبانه و پیرایشگرانه خود را، چه در حوزه تحول در اندیشه دینی و خرافه زدایی از ساحت دین و چه در عرصه بهبود اجتماعی حال مسلمانان و چه در حوزه اخلاق و معنویت و توسعه آن در زندگی فردی دینداران، کاملاً مستند و برآمده از قرآن و سنت می‌دانند و همه این کوششها را به عنوان یک امر دینی انجام می‌دهند که موجب رضایت خداوند و اولیای دین است. هرچند در روزگار جدید تحت تأثیر تحولات مدرن و نیازهای اجتماعی مبرم، این اصلاح طلبی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. اما این امر از اصالت و اعتبار دینی آن نمی‌کاهد. در واقع مصلحان مسلمان امروز کاری جز این نمی‌کنند و با پیرایش اسلامی تاریخی از گرد و غبار ایام، خرافات، افکار، آداب و عقاید غیر دینی و غیر عقلی، احیا و بازسازی نوین آن به تناسب علم و دانش و تجربه بشر پیشرفته امروز، بار دیگر به یاری انسانها و بیشتر مسلمانان بشتابند و بار دیگر به بهبود حال و احوال فردی، اخلاقی و اجتماعی مسلمانان یاری برسانند. شعار بازگشت به اسلام و بازگشت به قرآن معنایی جز این ندارد. اما به طور خاص اصلاح طلبان اخیر ایران، همان انقلابیون دیروزند، که البته با تغییر برخی پارادایمها در واقع همان آرمانهای ناکام پیشین را در سطحی عمیق تر و پیراسته تر پیگیری می‌کنند. هدف اصلی آنان به لحاظ سیاسی و کوتاه مدت تغییر مدیریت کلان کشور از حالت محافظه کارانه و تئوکراتیک به دموکراتیک و مردم سالار از طریق مسالمت و قانونی هستند.

هرچند اصلاح طلبان مسلمان طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و اختلافات فکری جدی نیز در پاره‌ای موارد در میانشان وجود دارد، اما یک اجماع یا توافق نسبی در بین سخنگویان اصلی شان مشاهده می‌شود. برخی از این توافقات در امور مهم چنین است:

۱. اعتقاد به «پروتستانتیسم اسلامی» و تحقق «رنسانس اسلام». در واقع این مدعا به معنای نو سازی و بازسازی اندیشه دینی و به قول اقبال لاهوری تجدید نظر در کل دستگاه مسلمانی و تحقق اصلاحات اجتماعی از طریق اصلاح فکر دینی است.

























































